

تولد لب خط



■ موضوع: تأثیر ایجاد راه آهن در محله
 ■ ویژگی: تخلیه مستمر گندم و بارگیری آرد در قلب محله

کلنگ ایستگاه راه آهن ۲۳ مهر ماه سال ۱۳۰۶ در دوره پهلوی اول به زمین زده شد. این اتفاق با تحولاتی در مناطق اطراف ایستگاه راه آهن همراه بود. وقتی خبر راه‌اندازی راه آهن به گوش مردم رسید، عده‌ای از شهرهای دور و نزدیک برای پیدا کردن کار به این محله تهران مهاجرت کردند و برخی نیز به دلیل جذابیت این وسیله حمل و نقل ریلی، محل زندگی خود را در اطراف راه آهن انتخاب کردند و در محله‌های اطراف آن ساکن شدند. راه آهن در قسمت شمالی محله نازی آباد قرار دارد و بعدها زمانی که سیلوی تهران راه‌اندازی شد، اهالی محله نازی آباد شاهد تردد قطارهای باری حامل گندم و آرد بودند. نوروز علی حسنجانی، از قدیمی‌های محله، اطلاعات خوبی درباره محله نازی آباد دارد: «سیلوی گندم تهران تا ۵۰ سال قبل به ریل خط آهن تهران- اهواز متصل بود. بار گندم از طریق قطارهای باری به ایستگاه راه آهن می‌رسید و به سیلوی تهران منتقل می‌شد. محدوده گلابدره محله نازی آباد به دلیل وجود کارخانه سیلوی تهران و نخستین کارخانه بلورسازی در ایران دارای قدمت و سابقه بیشتری است. خط آهن از داخل قسمتی از محله گلابدره رد می‌شد و بعد به داخل کارخانه سیلو می‌رفت و بعد از تخلیه بار، گندمی که آسیاب شده بود را بار می‌زد و به سمت ایستگاه راه آهن می‌رفت.»

اگر چه این روزها محل واگن‌خانه کارخانه، به ساختمانی مترو که تبدیل شده است، اما به گفته علیرضا زمانی، تهران پژوه هنوز هم می‌شود آثار به جامانده از خط ریل را در محله نازی آباد مشاهده کرد: «خط ریلی که از راه آهن به سمت کارخانه سیلو کشیده شده بود، بعد از تعطیلی کارخانه سیلو، عملاً بی‌استفاده شده است. به مرور و با اسفالت خیابان‌ها، بخش زیادی از خط ریل از بین رفت، اما آثاری از این خط آهن را در آذرآباد و گلابدره می‌توان دید.»

البته قبل از آنکه خطوط راه آهن کشیده شود، خانه‌ای در اطراف آن نبود اما به مرور زمان، بافت مسکونی در این محدوده بیشتر و یکی یکی خانه‌ها در کنار خطوط راه آهن ساخته و زندگی لب خط متولد شد. در خاطرات بسیاری از اهالی نازی آباد می‌توان این را پیدا کرد که روزگاری وقتی قطار روی ریل به حرکت در آمد، برخی از کودکان و نوجوانان که آن روزها تفریح خاصی نداشتند به دنبال قطار می‌دویدند یا به طرف آن سنگ پرتاب می‌کردند. البته تماشای قطار نه فقط برای کودکان و نوجوانان که برای افراد پا به سن گذاشته هم جالب و تماشایی بود.

مفاخر ایران در سایه‌سار سروهای بلند بالا



ایجاد شده‌اند و به همین خاطر خیلی‌ها نازی آباد را با محله نارمک که میدان‌های پر تعدادی دارد، مقایسه می‌کنند. شاید تنها تفاوت ۲ محله این باشد که میدان‌های نارمک در امتداد هم شکل گرفته‌اند اما میدان‌های نازی آباد در گوشه و کنار محله پراکنده شده‌اند. زمانی، میدان‌های هزار دستگانه را نمونه روشنی از تلفیق معماری سنتی و مدرن در نازی آباد می‌دانند: «هزار دستگانه نازی آباد را با میدان هایش می‌شناسند؛ این میدان‌ها در ۵۰ سال گذشته جایی برای بازی بچه‌ها، دیدار بزرگ‌ترها، درس خواندن، فوتبال بازی کردن و دورهمی و گسپ زدن اهالی بود و گاهی جشن‌ها و مراسم مختلف را در همین میدان‌ها برگزار می‌کردند. شاید به همین دلیل باشد که میدان‌های نازی آباد را بخش مهمی از هویت این محله می‌دانند و هنوز هم بسیاری از اتفاقات و رویدادهای فرهنگی و اجتماعی حول این میدان‌ها رخ می‌دهند.»

میدان‌های بسیار و پرخطرهای می‌شناسند. علیرضا زمانی، تهران پژوه، درباره میدان‌های تاریخی نازی آباد می‌گوید: «به طور کلی، نازی آباد از ۴ خیابان اصلی و بیش از ۳۰ میدان شکل گرفته و کوچه‌های فرعی از آنها منشعب شده است. بخشی از این میدان‌ها در موازات محله‌های یاخچی آباد و علی آباد قرار گرفته‌اند و خیابان‌ها و کوچه‌های عرضی را به هم پیوند می‌دهند که این کوچه‌ها و خیابان‌ها، میدان‌هایی به شکل مستطیل یا مربع دارند و عموماً مرکزشان را فضای سبز، درختان چنار و سرو و پیرامون آن را معابر تشکیل داده‌اند. روی تابلوی برخی میدان‌ها، نام مفاخر تاریخ شعر و ادب پارسی مثل منوچهری، باباطاهر، خیام و حافظ حک شده و برخی دیگر با نام‌هایی مثل خورشید، چمن، مدائن، پارس، میهن، شکوفه، بنفشه، لاله و... شناخته می‌شوند.»

معماری و هندسه شهری نازی آباد به گونه‌ای است که کوچه و خیابان‌ها، حول میدان‌های کوچک و بزرگ

■ موضوع: میدان نازی آباد
 ■ ویژگی: محل دورهمی اهالی و برپایی رویدادهای فرهنگی و اجتماعی

میدان بازار دوم به عنوان مرکز محله نازی آباد، یادآور میدان‌های اصیل شهرهای تاریخی ایران است که بناهایی همچون مسجد، بازار و پاتوق را در دل خود جا داده‌اند و دسترسی آسانی به خیابان‌های اصلی دارند. میدان بازار دوم از سمت جنوب به بازار مدائن یا همان بازار دوم و از ضلع شمال به مسجدالرسول (ص) و حسینیه حجت، منتهی می‌شود و خیابان‌های اطراف آن به نقاط مهم محله نازی آباد اتصال پیدا می‌کند؛ تا اواسط دهه ۶۰ میدان بازار دوم، حوض بسیار بزرگی داشت با انبوهی از درختان سرو که فضای دلنشینی را برای اهالی نازی آباد ایجاد کرده بود. اگر چه شمال این میدان تاریخی به کلی تغییر کرده و امروزه نشان چندان از آن باقی نمانده، اما هنوز هم نازی آباد را با



سلاخ‌خانه‌ای که رنگ فرهنگ گرفت

شد و موسیقیدان‌ها و نویسندگان مشهور در این مکان به مردم خدمات آموزشی ارائه می‌دادند. بهروز غریب‌پور، کارگردان تئاتر که نقشی جدی در تکمیل فرهنگسرای بهمن داشت، در خاطراتش روایت کرده که هدف نهایی‌اش تبدیل یک ویرانه به محلی آباد بود که محقق شد. حالا بسیاری از اهالی پایتخت به‌خصوص ساکنان نازی آباد از فرهنگسرای بهمن خاطرات مشتری‌شان را و برخی هنرمندان نامدار تهران، فعالیت هنری‌شان را از کارگاه‌های آموزشی آن شروع کردند. گودرزی در این‌باره توضیح می‌دهد: «کارگاه داستان‌نویسی سبروس طاهباز، کارگاه بازیگری سبروس شاملو و مرحوم آتیلا پسیانی و برپایی نمایشگاه‌های عکاسی و نقاشی در فرهنگسرای بهمن، نقطه عطفی برای شروع یک جریان مدرن هنری در تهران بود. به جرأت می‌توان گفت که نخستین جرقه‌های نوشتن برخی کتاب‌های شعر و رمان‌ها در همان کارگاه‌های آموزشی زده شد و بسیاری از هنرمندان و صاحب‌نظران حوزه فرهنگ و هنر کارشان را از فرهنگسرای بهمن شروع کردند.»

در نازی آباد تهران تأسیس شد. کشتارگاه نازی آباد دهلیزهای ۳۰ یا ۴۰ متری داشت و ۱۲ حجره در دو طرف دهلیزها بنا کرده بودند که هر کدام از آنها «پاچوب» داشت. یکی از پاچوب‌ها یا همان پای چوب‌ها مخصوص کلیمی‌ها بود و خاخام‌های کلیمی همانجا و طبق رسم و سنت کلیمی‌ها، دام‌ها را سر می‌بردند. کف پاچوب‌ها، نهرهای باریکی برای عبور جریان آب و خون ساخته بودند و حیوانات را کنار نهرها ذبح می‌کردند. کشتارگاه قدیمی و تاریخی نازی آباد با گذشت زمان تخریب شد و جای خود را به نخستین فرهنگسرای تهران داد. محمد گودرزی، از اهالی قدیمی نازی آباد، در این‌باره می‌گوید: «کشتارگاه تهران سال ۱۳۶۹ تخریب شد و فرهنگسرای بهمن را در بخش شمالی آن ساختند. این نخستین فرهنگسرای بود که در تهران ساخته می‌شد و در طراحی آن بخش‌های مختلفی مثل سالن سینما، کتابخانه، مجموعه ورزشی، خانه کودک، مجموعه تفریحی و... تعریف شده بود.» فرهنگسرای بهمن در بازه زمانی نسبتاً کوتاهی به قطب فرهنگی پایتخت تبدیل

■ موضوع: فرهنگسرای بهمن
 ■ ویژگی: نخستین فرهنگسرای تهران

دوران حکومت محمدشاه قاجار، حکومت تصمیم گرفت جایی را در نزدیکی دروازه قزوین به کشتار دام اختصاص بدهد. با توسعه و پیشرفت تهران و به دلیل شکایت ساکنان محدوده دروازه قزوین در سال ۱۲۶۴ کشتارگاه تهران به نجف‌آباد و بیرون دروازه‌های شهر انتقال پیدا کرد، اما با راه‌اندازی راه آهن تهران - شهرری، زائران و مسافران ری مدام از بوی تعفن محدوده اطراف کشتارگاه یا همان سلاخ‌خانه شکایت می‌کردند. به همین خاطر میرزا عیسی وزیر، از دولتمردان دوره ناصری، دستور داد تا برای پذیرایی زائران حرم عبدالعظیم (ع) قهوه‌خانه‌ای با باغ و نهر در جاده فرح‌آباد بنا کنند. بعد از مدتی سلاخ‌خانه به محل قهوه‌خانه منتقل شد و تا سال ۱۳۰۴ دایر بود. کشتار دام در همین محل انجام می‌شد تا اینکه سال ۱۳۰۴ به دستور کریم‌آقا بودرجمهری، کشتارگاه فعلی